

نقش بانکها و مؤسسات اعتباری در رونق اقتصاد ملی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۲/۲۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۸/۲۲)

آریا عزیزی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل، مدیریت شعب موسسه اعتباری کوثر استان کرمانشاه

چکیده

مؤسسات مالی و اعتباری به عنوان یک نهاد مالی غیر بانکی، موسساتی هستند که به عنوان واسطه وجوه در بازارهای مالی به فعالیت می پردازند. خدمات آنها در بسیاری از زمینه ها شبیه خدمات ارائه شده توسط بانک ها می باشد. نوع خدمات، درجه آزادی و گستردگی فعالیت آنها در تمام کشورها یکسان نبوده و تابع شرایط و قوانین خاص هر کشور است و می تواند عملکرد بانکها را تحت تاثیر قرار دهد. در پژوهش که از نوع پژوهش های کاربردی بوده و از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. نتایج این پژوهش بیانگر این نکته است که تنوع خدمات، نرخ سود پرداختی، روشهای بازاریابی و دیدگاه مشتریان همگی بر پایداری منابع بانک تاثیر دارد. علاوه بر این در مولفه های نرخ سود پرداختی، روشهای بازاریابی و دیدگاه مشتریان تفاوت معناداری در میانگین پاسخ ها وجود دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بخش اول: کلیات

در هر نظام اقتصادی بخش‌های مالی و حقیقی به عنوان مکمل یکدیگر عمل می‌نمایند. عدم کارآیی هریک، ناکارآیی دیگری را به دنبال دارد. در کشورهای توسعه یافته، بخش‌های مالی و حقیقی ارتباط معنا داری با یکدیگر دارند به خصوص بخشی از فعالیت‌های مالی که به تجهیز منابع و هدایت آن به سوی طرح‌های سرمایه‌گذاری می‌پردازد، تاثیر بسزایی در رشد بخش حقیقی دارد. دستیابی به رشد بلندمدت و مداوم اقتصادی، نیازمند تجهیز و تخصیص بهینه منابع در سطح اقتصاد ملی است و این مهم بدون کمک بازارهای مالی به سهولت امکان‌پذیر نیست. بازار مالی، بازار رسمی و سازمان یافته‌ای است که در آن عملیات انتقال وجوه از افراد و واحدهایی که با مازاد منابع مالی مواجه هستند به افراد و واحدهای متقاضی منابع صورت می‌گیرد. پویایی و خلاقیت از ویژگی‌های عمده بازارهای مالی است و هر روز بنا به ضرورت ابزارهای مالی جدیدی طراحی و عرضه می‌شود. سرمایه‌گذاران نیز با توجه به توان مالی، میزان انتظار از منافع آتی سرمایه‌گذاری و میزان ریسک‌پذیری‌شان، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب می‌کنند. در مجموع شواهد فراوان از تاثیر مثبت و انکارناپذیر بازار مالی بر رشد بخش حقیقی اقتصاد دارد. تجربه چند دهه اخیر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه خود بهترین مویده نقش بازارهای مالی مشکل، کارآمد و پویا در تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی است. (ابن علی پور، ۱۳۷۷: ۶۶)

بند اول: جایگاه بانکداری در ایران

بانک نهادی اقتصادی است که وظیفه‌هایی چون تجهیز و توزیع اعتبارات، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خرید و فروش ارزها، نقل و انتقال وجوه، وصول مطالبات اسنادی و سود سهام مشتریان، پرداخت بدهی مشتریان، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتریان، انجام وظیفه قیومیت و وصایت برای مشتریان، انجام وکالت خریدها و فروش را بر عهده دارند. وظایفبانک مرکزی عبارتست از انتشار اسکناس و تنظیم حجم پول در گردش، نگهداری فلزات گرانبها و ارزهای متعلق به دولت، نگهداری ذخایر قانونی و موجودی نقدی

بانک‌های تجاری، ایجاد امکانات اعتباری برای بانک‌های تجاری، انجام دادن عملیات تسویه حساب بین بانک‌ها، صندوقداری و نمایندگی مالی برای عملیات بانکی دولت، اجرای سیاست پولی و کنترل حجم اعتبارات. این بانک مسؤلیت کنترل شبکه بانکی و اداره سیاست پولی ثبات را بر عهده دارد. این بانک، بانک‌های دیگر را در جهت ارائه خدمت و هماهنگی با اقتصاد به فعالیت وا می‌دارد. بانک شاهی ایران نخستین بانک ایران برای اولین بار در ایران اقدام به چاپ ونشر اسکناس در زمان حکومت ناصرالدین شاه قاجار نمود و در سال ۱۳۰۲ خورشیدی بانک ملی در زمان حکومت پهلوی چاپ اسکناس را به عهده داشت که بعدها به بانک مرکزی ایران واگذار شد. (انوری، ۱۳۸۷: ۹۵)

بند دوم: روند نظارتی بر بانک‌ها

نظارت بر بانک‌ها و موسسات مالی در کشورهای مختلف، به عنوان یکی از مهمترین ارکان نظام بانکی مطرح است؛ هرچه این نظارت دقیقتر و قوی‌تر باشد، تخلفات کاهش یافته و اقتصاد با مخاطرات کمتری مواجه خواهد شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در کشور ما، نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها و موسسات مالی مناسب نبوده است و به همین دلیل، برخی از بانک‌های کشور اکنون در شرایط ورشکستگی قرار دارند. یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که باعث شکل‌گیری بانک‌های مرکزی در کشورهای مختلف شد، مسئله نیاز به نظارت بر مؤسسات مالی و بانک‌ها جهت حفظ ثبات این نظام بود. قوانین و شاخص‌های مختلفی بدین منظور تدوین شد تا با ساماندهی رفتار مؤسسات مالی و بانک‌ها از برهم خوردن ثبات این نظام جلوگیری شود. اجرای قوانین و مقررات نظام مالی نیز به مانند سایر قوانین نیازمند نظارت بر اجرا و برخورد با متخلفین به منظور جلوگیری از شیوع تخلف است. با این تفاوت که به دلیل حساسیت مسئله ثبات مالی، باید در امر نظارت بر بانک‌ها دقت بیشتری داشت و اصول بازدارندگی را به صورت دقیق‌تر به اجرا درآورد. معمولاً پاسخ به بحران‌های اقتصادی، از جمله بحران مالی اخیر، عمدتاً متمرکز بر اصلاح مقرراتی نظیر مقررات مربوط به سرمایه، نقدینگی و ذخایر بانک و تدوین چارچوب‌هایی برای کاهش انواع ریسک‌هاست و کمتر در خصوص



چگونگی و الزامات خود «نظارت» بحث می‌شود؛ این درحالیست که تنها زمانی می‌توان به اثربخشی و کارآیی تلاش‌های انجام شده برای اصلاح مقررات امیدوار بود که ابعاد مختلف نظارت تقویت گردد. (نیاورانی، ۶۶:۱۳۸۷) اولین و مهم‌ترین دلیل نظارت بر بانک‌ها، حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی است. فعالیت بانکی ویژگی‌های خاصی دارد که در صورت بروز مشکل یا اختلال در یک بانک، می‌تواند به سرعت به دیگر بانک‌ها گسترش یابد و نهایتاً نظام مالی و اقتصادی کشور مربوطه را تحت تأثیر قرار دهد. به چنین رخدادی ریسک یا خطر سیستمی می‌گویند. جلوگیری از ورشکستگی یک بانک نباید هدف ناظران بانکی باشد؛ بلکه هدف اصلی ناظران باید کاهش احتمال ورشکستگی یک بانک و آثار سوء آن بر دیگر بانک‌ها و به طور کلی نظام بانکی و اقتصادی باشد. به دلیل اهمیت نظارت بر نظام بانکی، نهاد ناظر در کشورهای مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است. در برخی کشورها نظیر بلغارستان، شیوه معرفی و سطح انتخاب رئیس کل بانک مرکزی و معاون نظارتی یکسان است و هر دو با معرفی رئیس جمهور و تصویب مجلس انتخاب می‌شوند. در برخی کشورها نیز، نهاد ناظر بانکی به صورت مجزا از بانک مرکزی طراحی شده است. بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد اجماع خاصی درخصوص اینکه کدام مدل (ادغام نظارت بانکی در بانک مرکزی یا تفکیک این مأموریت به صورت نهادی مستقل از بانک مرکزی) برای نظارت بر نظام بانکی مفیدتر و کارآمدتر است، وجود ندارد. (همان)

بخش دوم: چگونگی مجوز بانکها و موسسات از بانک مرکزی

این طور نیست که همه بانک‌ها بدون قید و شرط تمام سرمایه خود را صرف برج‌سازی کنند، البته ما نمی‌گوییم که تمامی بانک‌ها حد و حدود را رعایت می‌کنند، بلکه برخی نیز از این حدود خارج می‌شوند، اما این که گفته شود تمام بانک‌ها بخش عمده سرمایه خود را صرف ساخت‌وساز می‌کنند تا حدی بزرگنمایی است. برخی از بانک‌ها زیاد از حد از این حدود و خطوط خارج شده‌اند و تلاش می‌شود که آنها را به محدوده قانونی بازگردانند. در اقتصاد دارایی‌های ثبتي بانک‌ها تمام دارایی‌های آن از جمله تسهیلاتی که به برج‌سازان داده می‌شود

نیز محاسبه می‌شود. قسمت اعظم تسهیلات بانک‌ها به کسانی داده می‌شود که در کار ساخت‌وساز هستند و بخشی از این تسهیلات که توسط وام‌گیرندگان بازپرداخت نمی‌شود جزو دارایی‌های بانک به حساب می‌آید. لازم است روش‌های نظارتی بانک مرکزی تغییر کند و همگام با رشد بانک‌ها در کشور این ابزارهای نظارتی افزایش پیدا کند که ما نیز در بانک مرکزی در حال انجام این کار هستیم. بنابراین در بازاری که منابع بانکی آن اینقدر محدود باشد، ایجاد فساد امری طبیعی است. بخش عمده این تخلفات از سوی موسسات مالی غیرمجاز صورت می‌گیرد، اما در مورد بانک‌های مجوزدار به دفعات بانک مرکزی وارد تخلفات مربوط به ارائه وام شده است و معلوم شده که این تخلفات از یک فساد مالی سرچشمه می‌گیرند که گاه مدیران نیز از آن بی‌خبر بوده‌اند اما در نهایت فضای نامناسب باعث ایجاد این دست از تخلفات در ارائه وام می‌شود و پیگیری‌های بانک مرکزی نیز به این نتیجه رسیده است که قسمت اعظم این تخلفات مربوط به موسسات غیرمجازی است که هیچ محدودیتی برای خود قائل نمی‌شود.

بخش سوم: انواع نظارت بانک مرکزی بر نظام بانکی

طبق برخی از دسته‌بندی‌ها، نظارت را می‌توان به دو دسته نظارت تطبیقی و نظارت مبتنی بر ریسک دسته‌بندی کرد. نظارت تطبیقی، یا بررسی خلاصه دفتر کل، عبارت است از تطبیق عملیات بانکی با ضوابط و مقررات تعیین شده برای فعالیت بانکی و به عبارتی رعایت مقررات توسط بانک و واحدهای تابعه آن. شیوه نظارتی مبتنی بر ریسک نیز بر بررسی کیفیت مدیریت بانک‌ها و همچنین ارزیابی موقعیت مالی آنها، با استفاده از تجزیه و تحلیل نسبت‌ها تأکید دارد و به عنوان رویکرد بالا به پایین معرفی می‌گردد. نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی را می‌توان در مراحل قاعده‌گذاری و نظارت بر شاخص‌های مالی مهم، مورد توجه قرار داد. نکته مشترک در انواع نظارت بر بانک‌ها، در مرحله چگونگی برخورد با نهاد متخلف است که در هر یک از انواع نظارت‌ها، پس از کشف تخلف به منظور اصلاح و جلوگیری از تکرار تخلف، چه توسط متخلف و چه توسط سایر بانک‌ها، به اجرا گذاشته می‌شود.

بند اول: ابعاد اقتدار مقام ناظر بانک مرکزی

بارت و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «مقررات گذاری و نظارت بانکی در ۱۸۰ کشور از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۱» با استفاده از اطلاعاتی که برای بانک جهانی جمع آوری کرده بودند، به بررسی مساله مقررات گذاری و نظارت بر بانک‌ها در ۱۸۰ کشور مختلف پرداختند. یکی از مسائل مطرح شده در این مقاله قدرت و اقتدار مقام ناظر بانک مرکزی است. داده‌های این مقاله به روش پرسشنامه‌ای جمع آوری شده است. برخی از سؤالاتی که در این مقاله، شاخص اقتدار مقام ناظر بانکی را تعیین می‌کنند به شرح زیر است:

• آیا مقامات نظارتی می‌توانند عکس‌العمل‌های قانونی علیه کوتاهی‌های حسابرس بیرونی بانک داشته باشند؟

• آیا مقامات نظارتی می‌توانند ورشکستگی یک بانک را اعلام کنند؟

• آیا مقام نظارتی می‌تواند همه یا برخی از حقوق مالکان را تعلیق کند؟

• آیا مقامات نظارتی می‌توانند بانک را ملزم به تغییر ساختار درونی خود کنند؟

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در ۱۲۷ کشور، مقام ناظر به محض اطلاع از عدم رعایت قوانین احتیاطی، اقدام به اعلام این موضوع می‌نماید و تنها در ۱۱ کشور است که این اقدام صورت نمی‌پذیرد. همچنین در ۱۰۵ کشور، مقام ناظر پس از کشف تخلف، اقدامات اجباری را در دستور کار قرار می‌دهد. شایان ذکر است که کشور ایران در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته است. (بیگ زاده، ۱۳۸۲: ۱۳۰)

بند دوم: نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی در ایران

از آنچه که در سال‌های اخیر مشاهده شده است و به گفته اکثر کارشناسان، می‌توان نتیجه گرفت که در کشور ما، نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها و موسسات مالی مناسب نبوده است و به همین دلیل، برخی از بانک‌های کشور اکنون در شرایط ورشکستگی قرار دارند. همچنین

برخی از بانک‌ها و موسسات مالی با قانون شکنی (به عنوان نمونه تخلف از مقدار سود بر سپرده تعیین شده توسط بانک مرکزی و ...) توانستند منابع مالی را به سمت خود جذب نمایند و این منابع مالی جذب شده را به سمت فعالیت‌هایی سوق بدهند که برای اقتصاد کشور مولد نیستند، اما سود زیادی را برای بانک‌های متخلف در بر داشته است. این اتفاقات نشان دهنده‌ی آن بوده که بانک مرکزی در نظارت خود بر بانک‌ها ضعیف عمل کرده است. اما اینکه چرا این اتفاق افتاد و چرا بانک مرکزی در نظارت بر بانک‌ها موفق نبوده است، نیازمند شناسایی ساختار بانک مرکزی و ساختار مقام نظارتی این نهاد است.

بند سوم: نقش بانکها و موسسات اعتباری در رونق اقتصاد ملی

بازارهای مالی در برگیرنده بازار پول، بازار سرمایه و بازار بیمه می‌باشند. بازار پول، بازار مطالبات کوتاه مدت است. گرایش اصلی بازار پول اصولاً بر ابزارهایی متمرکز است که با استفاده از آن بتوان به سرعت وضعیت نقدشوندگی را تغییر داد. در نتیجه به دلیل ماهیت کوتاه مدت آن، تبدیل وجوه جمع‌آوری شده به سرمایه مالی امکان‌پذیر نبوده و تنها برای تامین مالی عملیات تولیدی و تجاری پیش‌بینی نشده به کار می‌رود. اشخاص حقوقی که در بازار پول مشغول به فعالیت می‌باشند، نهادهای مالی بانکی (بانک‌های تجاری و تخصصی) و نهادهای مالی غیر بانکی (موسسات مالی و اعتباری و...) می‌باشند. این نهادها در حقیقت بار اصلی نظام مالی را بردوش می‌کشند و نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت منابع به سمت تولید و ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد دارند. در واقع آنها با فعالیت‌های بی‌وقفه خود در تجهیز منابع مالی کوتاه مدت و بلندمدت (پس‌اندازهای خرد اشخاص) در پایین آوردن خطر سرمایه‌گذاری، تخصیص بهینه منابع، کاهش هزینه‌های معاملاتی و در نهایت رشد و رونق اقتصادی کشور نقش اساسی ایفا می‌نمایند. موسسات مالی و اعتباری به عنوان یک نهاد مالی غیر بانکی، موسساتی هستند که به عنوان واسطه وجوه در بازارهای مالی به فعالیت می‌پردازند. خدمات آنها در بسیاری از زمینه‌ها شبیه خدمات ارائه شده توسط بانک‌ها می‌باشد. نوع خدمات، درجه آزادی و گستردگی فعالیت آنها در تمام کشورها یکسان نبوده و تابع شرایط و قوانین خاص هر کشور



است. طبق آیین نامه مقررات تاسیس و نحوه فعالیت موسسات مالی و اعتباری، این موسسات از طریق جذب انواع سپرده های مجاز بانکی و استفاده از سایر ابزارهای مالی به تجهیز منابع مبادرت نموده و این منابع را به اعطای تسهیلات اعتباری اختصاص داده یا به هر نحو دیگری بنا به تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب قانون، آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی عملیات بانکی بدون ربا واسطه بین عرضه کنندگان و متقاضیان منابع مالی می شوند. برخی از فعالیت ها و خدماتی که موسسات مالی و اعتباری قادر به ارائه آن می باشند، عبارتند از:

- ۱- تامین مالی و وام دهی تجاری در بخش تولید:
- تامین مالی در مقابل به وثیقه گرفتن دارایی های قابل وصول؛
- تامین مالی از طریق وام دهی تجاری؛
- تامین سرمایه برای آغاز کارهای تولیدی؛
- فعالیت در امر پیش خرید محصولات.
- ۲ - ارائه خدمات نوین بانکی به مشتریان
- صدور کارت اعتباری و بدهی؛
- تسهیل نقل و انتقال و جوه از طریق ابزارهای الکترونیک (اینترنت، تلفن و ...).
- ۳ - فعالیت در امور بیمه ای
- ۴ - فعالیت در امور سرمایه گذاری
- ارائه خدمات کارگزاری کالا و اوراق بهادار
- مشارکت مستقیم در سرمایه گذاری ها
- تشکیل صندوق های مشترک سرمایه گذاری و ...

به این ترتیب موسسات مالی و اعتباری به عنوان مکمل سیستم بانکی نقش موثری در پویایی بازار مالی هر کشور دارند، اما متأسفانه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، سیستم مالی دارای نقایص و ناکارآمدی‌های فراوان است که باعث شده کمیت و کیفیت ارائه خدمات مالی در سطح نسبتاً پایینی قرار داشته باشد. در ایران، نهادهای مالی موجود از بانک‌ها و موسسه اعتباری گرفته تا صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌های اعتباری نقش خود را در رشد و انباشت و توزیع بهینه سرمایه و منافع مالی به درستی ایفا نمی‌کنند و بعضاً خدمات خود را به صورت غیر حرفه‌ای در جامعه عرضه می‌نمایند. به عبارت دیگر نظام مالی کشور به وظیفه اصلی خود یعنی تخصیص منابع با حداقل هزینه‌های معاملاتی از طریق بکارگیری پس‌اندازها، تخصیص منابع، اعمال کنترل و نظارت موثر بر متقاضیان و وام‌گیرندگان، بهبود مدیریت ریسک و آسان نمودن داد و ستدها (حداقل کردن بوروکراسی) آنچنان که باید عمل نمی‌کند. آنچه به عنوان عامل اصلی این عدم موفقیت معرفی می‌شود، ضعف ساختار نظام مالی کشور ناشی از فقدان رقابت میان نهادهای مالی است. در کشورهای در حال توسعه اغلب نهادهای مالی به بانک‌ها خلاصه می‌شود، به عبارتی دیگر نظام مالی آنها بر پایه بانک است. این بانک‌ها هستند که با حضور خود در عرصه اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تامین مالی و نقدینگی شرکت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و ... دارا می‌باشند و متأسفانه نقش و کارکرد موسسات مالی و اعتباری بسیار ضعیف شده است. به‌رغم اینکه موسسات مالی و اعتباری در کنار بانک‌ها مشغول به فعالیت می‌باشند، ولی هیچگاه نتوانسته‌اند نقش اصلی و مؤثر خود را در اقتصاد ایفا نمایند. عوامل کلیدی این عدم موفقیت نابرابری بین بانک‌ها (دولتی و خصوصی) و موسسات مالی و اعتباری در ارائه خدمات و وجود انحصار و موانع قانونی متعدد فراروی آنان می‌باشد. با این وجود، طبق آمارهای منتشر شده تعداد زیادی نهادهای مالی غیر بانکی در کشور ما فعالیت می‌کنند که همگی با انجام فعالیت‌های متداول بانکی، بخش قابل توجهی از نقدینگی جامعه را (سهم حدود ۶ درصدی از حجم نقدینگی) به خود اختصاص داده‌اند و این نمایانگر آن است که به‌رغم تمام محدودیت‌ها، موسسات مالی و اعتباری



توانسته‌اند با گستردگی شعب خود در سراسر کشور در کنار بانک‌های دولتی و خصوصی به فعالیت پردازند و سهم مناسبی از بازار را کسب نمایند. (زند فرد، ۱۳۷۷: ۱۱۶)

از آنجا که ماده ۹۸ از فصل دهم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی با عنوان ساماندهی بازارهای مالی، اجازه تاسیس موسسات مالی و اعتباری غیر دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی را جهت افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی، تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور را داده است، سازمانهای ذی‌صلاح می‌توانند از طریق:

۱ - ایجاد قانون متشکل پولی، خاص موسسات مالی و اعتباری جهت انسجام بخشیدن به عملکرد آنها در کشور.

۲- حذف انحصار و رفع موانع قانونی در تاسیس و گسترش موسسات مالی و اعتباری و سایر نهادهای مالی جهت ایجاد فضای رقابتی سالم بین بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری.

۳ - نظارت و کنترل مستمر بر عملکرد موسسات مالی و اعتباری و شفاف‌سازی وظایف آنها.

زمینه توسعه و رونق بازارهای مالی و در نتیجه تکامل نظام مالی را فراهم سازند. در حال حاضر به علت یکسان بودن نرخ سود بانکی تعیین شده توسط بانک مرکزی برای بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی از یک طرف و برخی محدودیت‌های موسسات غیر بانکی در مقایسه بانک‌ها از طرف دیگر موجب نابرابری رقابت بین این دو نوع بنگاه در بازار پول شده است. کارمزد مربوط به خدمات صرفاً بانکی که عمدتاً بر محور استفاده از چک در سیستم بانکی شکل می‌گیرد و درآمدهای مربوط به انواع معاملات ارزی، فعالیت در زمینه گشایش اعتبارات اسنادی و...، همگی موجب نابرابری بین بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی شده است، لذا طراحی چارچوب مناسب برای فعالیت و رقابت منصفانه بین بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری یک امر ضروری است. نکته مهم دیگر فعالیت بخشی از موسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه در محدوده خارج از ضوابط اعلام شده بانک مرکزی است. اصولاً دو نوع نظارت در دنیا وجود دارد، یکی سخت کردن شرایط ورود به بازار و آسان‌گیری بعد

از ورود، دیگر آسان‌گیری ورود به بازار و سخت‌گیری بعد از ورود به بازار، البته حد وسط هم وجود دارد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل وجود موسسات و صندوق‌های بدون مجوز بانک مرکزی در کشور، که طی سالیان گذشته در سراسر کشور شکل گرفته‌اند، سخت بودن اخذ مجوز و سخت‌گیری غیر ضروری و مقامات مسوول پولی و بانکی بوده است. با اینکه خیلی از موسسات فعال در کشور اصرار بر تحت نظارت بانک مرکزی بودن را دارند، ولی بانک مرکزی به علت انتخاب روش سنتی سخت‌گیری در اعطای مجوز اولیه، عملاً در مقابل کار انجام شده قرار گرفته و نظارت کارآمد بعد از تاسیس را نیز از دست داده است. اصولاً در کشور ما تفکر همه یا هیچ، یا قاعده صفر و یک به شکل سنتی ریشه دوانده است. ۲/۰، ۵/۰ یا ۸/۰ معنای خودش را در فاصله صفر تا یک از دست داده یا کمرنگ شده است. این بدان مفهوم است که چشم خود را بر واقعیت بسته و بر معیارهای ایده‌آل، بیشتر تاکید می‌کنیم. (زند فرد، ۱۳۷۷: ۱۱۷) با توجه به دیدگاه‌های مثبت رییس کل محترم بانک مرکزی و فرصتی که با تاکیدات بیشتر رییس جمهوری محترم که برای اصلاح ساختار بازار پول کشور پدید آمده است، می‌توان نواقص بازار پولی کشور را با تجدید نظر در مقررات تاسیس و نظارت بر بنگاه‌های بانکی و غیر بانکی و در جهت رقابتی کردن فعالیت فعالین بازار پول رفع کرد. باید بپذیریم بازارهای مالی نقش مهمی در توسعه و پیشرفت کشور بازی می‌کنند بازار مالی یک واحد یکپارچه‌ای است که همه ابعاد و زوایای آن باید دیده شوند. بازار سرمایه چه اولیه چه ثانویه، بازار پول با همه اعضای آن یعنی بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری، صندوق‌های پس‌انداز و بازار بیمه با همه اعضای آن؛ یعنی بیمه‌های بازرگانی، تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی و ... اگر درست و هماهنگ و منظم فعالیت نکنند و از یک چشم‌انداز و مقررات نظارتی همگن بهره‌مند نباشند، عملکرد بهینه و کارآمد این بازار دور از انتظار خواهد بود، لذا برخورد جزیره‌ای به این سه بازار اصلی بخش مالی کشور و نیز نگاه دو گانه و چند گانه به فعالین هر یک از این بازارها نظیر آنچه در حال حاضر در جریان است از کارآمدی آنها کاسته و مانع تکامل بازار مالی کشور خواهد شد. واقعیت‌ها را باید پذیرفت، مقررات غیر قابل اجرا و دست نیافتنی را که صرفاً در روی کاغذ نوشته می‌شود کنار گذاشت و با کاهش مقررات



دست و پاگیر و تعیین جهت گیری کلان بازارهای بخش مالی کشور به تقویت رقابت جهت بالابردن بازدهی بنگاه‌های فعال در بخش مالی و در نتیجه بهره‌مندی بیشتر مردم از خدمات آنها پرداخت. بانک مرکزی، بیمه مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار بیشتر از آنچه خود را درگیر پیگیری و اجرای مقررات دست و پاگیر و غیر مهم نمایند، بهتر است با تجدید ساختار نظارتی خود، به خصوص دادن اختیار و قدرت تصمیم‌گیری به واحدهای نظارتی جهت کارآمد کردن نظارت بعد از شروع فعالیت بجای سخت‌گیری بی‌مورد در هنگام تاسیس و شروع فعالیت از سلامت عملیات بازارهای پول، سرمایه و بیمه به مردم اطمینان دهند. توانگری مالی شرکت‌های بیمه و بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، شفافیت معاملات و اطلاعات شرکت‌های بورسی و در یک کلمه قابل تکیه بودن اطلاعات و قدرت مالی موسسات فعال در بخش مالی را تضمین کرده و از حقوق مشتریان بانک‌ها و بیمه‌ها و خریداران سهام دفاع نمایند، آنچه به نظر می‌رسد در داخل انبوهی از مقررات و ضوابط دست و پاگیر گم شده یا حداقل کمرنگ شده است.

بخش چهارم: نقش موسسات مالی و اعتباری در اقتصاد

در کشورهای توسعه یافته، بخش‌های مالی و حقیقی ارتباط معنا داری با یکدیگر دارند به خصوص بخشی از فعالیت‌های مالی که به تجهیز منابع و هدایت آن به سوی طرح‌های سرمایه‌گذاری می‌پردازد، تاثیر بسزایی در رشد بخش حقیقی دارد. دستیابی به رشد بلندمدت و مداوم اقتصادی، نیازمند تجهیز و تخصیص بهینه منابع در سطح اقتصاد ملی است و این مهم بدون کمک بازارهای مالی به سهولت امکان‌پذیر نیست. بازار مالی، بازار رسمی و سازمان یافته‌ای است که در آن عملیات انتقال وجوه از افراد و واحدهایی که با مازاد منابع مالی مواجه هستند به افراد و واحدهای متقاضی منابع صورت می‌گیرد. پویایی و خلاقیت از ویژگی‌های عمده بازارهای مالی است و هر روز بنا به ضرورت ابزارهای مالی جدیدی طراحی و عرضه می‌شود. سرمایه‌گذاران نیز با توجه به توان مالی، میزان انتظار از منافع آتی سرمایه‌گذاری و میزان ریسک‌پذیری شان، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب می‌کنند. در مجموع شواهد فراوان از

تأثیر مثبت و انکارناپذیر بازار مالی بر رشد بخش حقیقی اقتصاد دارد. تجربه چند دهه اخیر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه خود بهترین مویذ نقش بازارهای مالی متشکل، کارآمد و پویا در تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی است. (ابن علی پور، ۱۳۷۷: ۵۶)

نتیجه گیری

به طور کل نقش بانکها و موسسات اعتباری در اقتصاد کشور در تامین نیازهای مالی برای واحدهای تولیدی و بازرگانی است. بانکها باید بتوانند از یک طرف سرمایه‌های خرد را جذب کنند و بعد از طرف دیگر در قالب تسهیلات به واحدهای تولیدی و صنعتی خدمات بدهند تا باعث تقویت آنها شده و در نتیجه واحدهای تولیدی بتوانند نقش خود را در اقتصاد ملی به درستی ایفا کنند. هر چند تامین سرمایه با بازار بورس مرحله‌ای دارد اما این مهم با بازار پولی هم مرحله دیگری دارد. در این روند بانکها به طور کل نقش بازار پولی را باید بازی کنند و دست به نگهداری ارزش پول، تامین نقدینگی برای واحدهای تولیدی و صنعتی، رفع نیازهای خرد مردم از طریق تسهیلات خردی که به آنها می‌دهند، بزنند. البته برای انجام این کار ابزارهایی وجود دارد که می‌توان از اوراق قرضه، سپرده، بهادار، مدت دار نام برد. متأسفانه به دلیل آنکه ما در شرایط مناسبی نیستیم یعنی بازده تولید در بهترین شرایط حداکثر ۱۰ درصد است و نرخ تورم در سال‌های قبل هم خیلی بیشتر از ۱۰ درصد بوده بنابراین طبیعی است که پول‌های مردم سمت و سوی دیگری می‌رود که غیر از جریان تولید می‌باشد. بانکها با پرداخت بهره‌هایی تا حدود ۳۰ درصد پول‌ها را به بازارهای غیر تعریف شده برده‌اند، نتیجه این شده که مسیر مسکن، سکه و دلار گران می‌شود. این مسئله باعث شده که واحدهای تولیدی بلا تکلیف باشند و در نتیجه یک بحران در نظام پولی - بانکی کشور به وجود بیاید. در کنار این‌ها، تاسیس موسسه‌های مالی که از قوانین - پولی بانک مرکزی یا نظارت‌های بانک مرکزی پیروی نمی‌کنند هم به این مسئله دامن زده است. در نتیجه نظام بانکی وقتی نتوانست با موسسه‌های مالی رقابت کند به تدریج بانکها بنگاهدار شدند. در این روند شرکت‌هایی در کنار بانکها برای کارهای تجاری سودآور به وجود آمدند، بانکها هم تصمیم گرفتند که



این پول‌ها را به شرکت‌های بازرگانی که سود بیشتری هم عاید آنها می‌کرد، هزینه کنند. بنابراین بانک‌ها به تدریج توانستند با موسسه‌های مالی رقابت کنند. در کل این روشی که بانک‌ها پیش گرفتند و موسسه‌های غیررسمی هم به آنها اضافه شدند باعث شد که دودش به چشم بخش تولید، اشتغال و رشد اقتصادی برود. برای خروج از این وضع باید بازنگری عمیقی در نظام بانکی داشته باشیم. این اقداماتی که هر از گاهی گفته می‌شود فلان موسسه قانونی یا غیرقانونی است و باید جمع شود، هیچ یک کار ساز نیست. باور دارم باید همه موسسه‌ها در قالب یک یا دو بانک و زیرنظارت و مدیریت بانک مرکزی قرار بگیرند.



منابع و ماخذ

۱. ابن علی پور، احمد علی، ماهیت حقوقی سازمان کشاورزی و تغذیه جهانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷.
۲. انوری، حمیدرضا، رحمانی مرتضی « سازمان همکاری شانگهای: چشم اندازی به سوی جهان چندقطبی» مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، بهار ۱۳۸۷
۳. بیگ زاده، ابراهیم، کلنی، شهناز، یاقوتی، منیژه، « حقوق سازمانهای بین المللی» جلد اول، (مجموعه اسناد)، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۲
۴. زند فرد، فریدون، ایران و جامعه ملل، شیرازه، تهران، ۱۳۷۷
۵. نیاورانی، صابر، تحول دفاع مشروع در حقوق بین الملل، رساله دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۷





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی